



Identifying and explaining the main components of the sustainability of cooperative institutions in participatory management projects to deal with desertification in South Khorasan province

Y. Ghasemi Aryan¹, F. Moghiminejad^{2*}, M.R. Shahraki³ and A. R. Yari⁴

1-Assistant Professor, Desert Research Division, Research Institute of Forests and Rangelands, Agricultural Research Education and Extension Organization (AREEO), Tehran, Iran

2*-Corresponding author, Research Expert of Natural Disasters Research Institute. Tehran, Iran, Email: fmoghimi_66@ut.ac.ir

3-Researcher of rural development and social issues in the field of natural resources and agriculture, Golestan Province. Iran

4-Executive expert, International Carbon Sequestration Project, General Directorate of Natural Resources and Watershed Management of South Khorasan Province. Iran

Received: 02/17/2024

Accepted: 09/11/2024

Abstract

Background and purpose

The cooperative institution is considered the first and most essential pillar of strengthening social capital, whose stability guarantees the survival and continued participation of local communities in natural resource management projects. Village Development Group and Microcredit Fund are two important social and economic institutions in the implementation of the international project of revitalization of forested and degraded lands with special emphasis on lands sensitive to saline soils and lands prone to wind erosion (RFLDL) in Sarayan city of Khorasan province. It has been the southern region that has brought valuable lessons from the participation of users in the more effective implementation of projects to combat desertification. The stability of these institutions depends on the participation and activity of the members in the decision-making meetings of the development groups in order to strengthen the social, economic, human, natural and physical capital of the village, as well as complying with the regulations of the microcredit fund and depositing monthly small amounts. However, the low activity or liquidation of some of these institutions has become one of the important challenges and concerns of project executive experts. The current research was carried out with the aim of explaining the main factors of the instability of these institutions.

Methodology

This research is descriptive-analytical in terms of method, practical in terms of purpose, and the method of gathering information is two documentary and survey methods. The target community is all the members of the village development groups and micro credit funds in the target villages of the implementation of the RFLDL project in Sarayan city. The measuring tool of the research was a researcher-made questionnaire, based on Cochran's formula and matching with Karjesi and Morgan's table, 96 people were selected as a statistical sample. After validating the validity with the opinion of experts, the reliability of the questionnaire was 0.83, which shows that it is reliable. Data analysis was done using 22SPSS software. The relationship between variables was investigated using Smart PLS3 software. For this purpose, the factor load of each item was

obtained.

Results

The results related to the explanation of the main components of the sustainability of cooperative institutions were classified and prioritized in the form of 4 groups of social-cultural, economic-household, educational-promotional and policy-management factors. Based on this, in the socio-cultural factors, the items "lack of attention to the structural characteristics and composition of groups", "lack of commitment and sense of responsibility among group members" and "lack of a specific pattern for the preservation and survival of groups", in the economic factors, the items "The fund's small financial capital", "low amount of fund facilities" and "the inability of the fund to conclude contracts and attract funds from other sources", in the educational-promotional factors, the items "non-simultaneity of skill training with granting loans" and "insufficient training for effective use" of facilities" and in policy-management factors, the item "non-provision of government facilities to support the funds" had the highest priority. The results of the hypothesis examination and path analysis also showed that the management-policy component with a coefficient of 0-0.581 had the strongest negative and significant effect on the sustainability of cooperative institutions at the level of 99%.

Conclusion

In general, the results of this research show that policy-management factors and social factors (especially the structure and composition of institutions) are considered as the most important factors of the stability of cooperative institutions. Therefore, it is suggested that experts and facilitators first strengthen organizational coordination and coherence at the level of government officials and, while securing appropriate credits, remove the legal obstacles to the participation of local communities in the implementation of projects to combat desertification. It is also necessary to consider network analysis studies, in order to achieve the appropriate composition of members, in the stage of establishment and establishment of institutions.

Key words: Social capital, Network analysis, Organizational cohesion, Participation, RFLDL international project, Sarayan.

شناسایی و تبیین مولفه‌های اصلی پایداری نهادهای مشارکتی در پروژه‌های مدیریت مشارکتی مقابله با بیابان‌زایی در استان خراسان جنوبی

یاسر قاسمی آریان^۱، فیروزه مقیمی نژاد^{۲*}، محمدرضا شهرکی^۳ و علیرضا یاری^۴

۱- استادیار پژوهش، بخش تحقیقات بیابان، موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران

۲- نویسنده مسئول، دکتری منابع طبیعی و پژوهشگر پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران، ایران. پست الکترونیک: fmoghimi_66@ut.ac.ir

۳- پژوهشگر توسعه روستایی و مسائل اجتماعی منابع طبیعی و کشاورزی، گرگان، ایران

۴- کارشناس اجرایی، پروژه بین‌المللی ترسیب کربن، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان جنوبی، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

چکیده

سابقه و هدف

نهاد مشارکتی، اولین و ضروری‌ترین رکن تقویت سرمایه اجتماعی به حساب آمده که پایداری آن ضامن بقا و استمرار مشارکت اجتماعات محلی در پروژه‌های مدیریت منابع طبیعی است. گروه توسعه روستا و صندوق اعتباری خرد، دو نهاد اجتماعی و اقتصادی مهم در اجرای پروژه بین‌المللی احیای اراضی جنگلی و تخریب یافته با تأکید ویژه بر اراضی حساس به خاک‌های شور و اراضی مستعد فرسایش بادی (RFLDL) در شهرستان سرایان استان خراسان جنوبی بوده که درس‌آموخته‌های ارزشمندی از مشارکت بهره‌برداران در اجرای اثربخش‌تر پروژه‌های مقابله با بیابان‌زایی به همراه داشته‌اند. پایداری این نهادها منوط به شرکت و فعالیت اعضا در نشست‌های تصمیم‌گیری گروه‌های توسعه در جهت تقویت سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، طبیعی و فیزیکی روستا و همچنین رعایت مقررات آیین‌نامه صندوق اعتباری خرد و واریز مبالغ خرد ماهانه است. با اینحال فعالیت کم یا انحلال برخی از این نهادها، امروزه به یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های مهم کارشناسان اجرایی پروژه یادشده تبدیل شده است. تحقیق حاضر با هدف تبیین عوامل اصلی عدم پایداری این نهادها به انجام رسید.

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر روش، توصیفی-تحلیلی، از نظر هدف، کاربردی و روش گردآوری اطلاعات به دو روش اسنادی و پیمایشی است. جامعه هدف، کلیه اعضای گروه‌های توسعه روستا و صندوق‌های اعتباری خرد در روستاهای هدف اجرای پروژه RFLDL در شهرستان سرایان است. ابزار سنجش تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بوده، که بر اساس فرمول کوکران و تطبیق با جدول کرجسی و مورگان، ۹۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پس از تأیید روایی با نظر متخصصان، پایایی پرسشنامه برابر ۰/۸۳ به دست آمد که نشان از قابلیت اعتماد مناسب است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲ انجام گرفت. بررسی رابطه بین متغیرها با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS3 انجام شد. برای این منظور بار عاملی هر یک از گویه‌ها به دست آمد.

نتایج

نتایج مربوط به تبیین مولفه‌های اصلی پایداری نهادهای مشارکتی در قالب ۴ گروه عوامل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی- معیشتی، آموزشی- ترویجی و سیاستگذاری- مدیریتی طبقه بندی و اولویت‌بندی شد. بر این اساس در عوامل اجتماعی- فرهنگی گویه‌های "عدم توجه به ویژگی‌های ساختاری و ترکیب گروه‌ها"، "فقدان تعهد و احساس مسئولیت لازم در بین اعضای گروه" و "فقدان الگوی مشخص برای حفظ و بقای گروه‌ها"، در عوامل اقتصادی گویه‌های "سرمایه مالی اندک صندوق"، "پایین بودن مبلغ تسهیلات صندوق" و "ناتوانی صندوق در انعقاد قرارداد و جذب سرمایه از سایر منابع"، در عوامل آموزشی- ترویجی گویه‌های "هم‌زمان نبودن مهارت‌آموزی با اعطای وام" و "ناکافی بودن آموزش‌ها برای استفاده مؤثر از تسهیلات" و در عوامل سیاستگذاری- مدیریتی گویه

"تأمین نشدن تسهیلات دولتی برای حمایت از صندوق‌ها" دارای بیشترین اولویت بودند. نتایج بررسی فرضیه‌ها و تحلیل مسیر نیز نشان داد که مولفه مدیریتی - سیاستگذاری با ضریب ۰/۵۸۱-۰، قوی‌ترین تأثیر منفی و معنی‌داری را بر پایداری نهادهای مشارکتی در سطح ۹۹ درصد داشته است.

نتیجه‌گیری

به طور کلی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد عوامل سیاستگذاری - مدیریتی و عوامل اجتماعی (بخصوص ساختار و ترکیب نهادها) به عنوان مهمترین عوامل پایداری نهادهای مشارکتی محسوب می‌گردند. لذا پیشنهاد می‌شود کارشناسان و تسهیلمان، ابتدا هماهنگی و انسجام سازمانی را در سطح دست‌اندرکاران دولتی تقویت بخشیده و ضمن تأمین اعتبارات مناسب، موانع حقوقی پیش‌روی مشارکت اجتماعات محلی در اجرای پروژه‌های مقابله با بیابان‌زایی را مرتفع سازند. همچنین لازم است مطالعات تحلیل شبکه، به منظور دستیابی به ترکیب مناسب اعضا، در مرحله تأسیس و استقرار نهادها مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، تحلیل شبکه، انسجام سازمانی، مشارکت، پروژه بین‌المللی RFLDL، سرایان.

مقدمه

طی دهه‌های گذشته، روش‌های برنامه‌ریزی سنتی (از کل به جزء)، به خصوص در بخش منابع طبیعی تجدیدشونده (به دلیل وسعت بالا) در عمل توانایی حل چالش‌های پیش‌آمده را از طریق تهیه، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه از دست داده و از سوی دیگر اعتماد عمومی نیز نسبت به کارایی این طرح‌ها سلب شده است و مردم خواستار پارادایم جدیدی در راستای کارآمدی، مشارکتی بودن، انعطاف‌پذیری و مردمی بودن طرح‌ها می‌باشند. در همین راستا سازمان‌های مردم‌نهاد به مثابه روش‌های جدیدی برای جلب مشارکت مردمی در تعیین سرنوشت خود اهمیت یافته‌اند. این سازمان‌ها، در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به دلیل نداشتن بروکراسی پیچیده همانند بخش دولتی و منفعت‌طلبی بخش خصوصی این امکان را فراهم ساخته‌اند تا در زمینه‌هایی چون مبارزه با فقر و گرسنگی، حفاظت از محیط زیست، جنگل‌داری، افزایش آگاهی‌های عمومی، رفاه، توجه به امور زنان و کودکان، کاهش آسیب‌های اجتماعی، موفق‌تر از بخش‌های خصوصی و دولتی عمل کنند (Kiani & Zarei, 2022). نتایج بررسی کشورهای در حال توسعه در زمینه علل شکست رویکردهای مدیریتی سنتی متکی بر الگوی نظارتی در یک محیط ایزوله و تداوم تخریب منابع طبیعی، منجر به دستیابی به این تجربه مشترک گردید که سیستم‌های مدیریت کنونی باید مورد بازبینی قرار گرفته و جای خود را به رویکردهای جامع و نوآوری بدهند که پیچیدگی رفتار بشر و دخالت جوامع انسانی بر محیط طبیعی را مورد توجه قرار دهند. گزارشات سازمان خوار و بار جهانی (FAO) نیز گویای این واقعیت است که ابتکارات مدیریت منابع طبیعی مبتنی بر مشارکت اجتماعات محلی، به شکل گسترده‌ای در معکوس نمودن روند تخریب محیط زیست اثر مثبت داشته و تقویت معیشت و ارتقای وضعیت اقتصادی ذینفعان را به همراه داشته‌اند (Report of the carbon sequestration project, 2014). سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از حوزه‌هایی هستند که در امر توسعه و پیشرفت در دیدگاه صاحب‌نظران و کارگزاران دولتی همیشه مورد توجه بوده و به‌عنوان نهادها و مؤسسات کارآمد و مکمل بخش دولتی در تحقق حاکمیت خوب و افزایش سرمایه

اجتماعی جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند (Watkins et al., 2005). این مهم در بخش مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست از اهمیت بالاتری برخوردار است چنانچه Sala و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان یویایی نهادی در سیستم مدیریت اجتماع‌محور مرتع در شمال غربی تانزانیا به این نتیجه دست یافتند که منابع مالی متنوع، پشتیبانی فنی و مکانیسم‌های تشریک منافع برای ایجاد انگیزه در مدیریت پایدار منابع مورد نیاز است. برای ارتقای تاب‌آوری سیستم مدیریتی، بازیگران نهادی موجود و توانایی آنها برای انطباق، باید بوسیله افزایش آگاهی، مشارکت گسترده‌تر دست‌اندرکاران و ایجاد پل ارتباطی با سازمان‌ها تقویت یابند. Mohebi و همکاران (۲۰۱۷) در گزارشی به اهمیت واگذاری مدیریت کوچ و مرتع به تشکل‌های عشایری پرداخته و ۴ عامل عدم تحقق این مهم را اراده ضعیف سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور به احاله مدیریت، عدم تخصیص اعتبارات دولتی، تعدد تولی‌گری مدیریت مراتع و عدم پیگیری جدی نمایندگان منتخب عشایر در برخی از استان‌ها عنوان نمودند. تجارب کشور استرالیا نیز در خصوص ایجاد و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد منحصر به فرد است. چنانکه در دهه ۱۹۸۰ میلادی، زمانی که بخش زیادی از منابع طبیعی این کشور، حتی تا مرحله انهدام کامل پیش رفته بود، صاحب‌نظران با الهام از تجارب گذشته به این نتیجه دست یافتند که راه‌حل‌های جلوگیری از انهدام بیشتر و معکوس کردن روند تراژدی سرمایه‌های عمومی، اموری انحصاری و یا حتی اساساً فنی نیستند. بلکه این راه‌حل‌ها بیشتر اجتماعی و سیاستی‌اند. لذا برنامه‌های مراقبت از زمین به وسیله گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد در دستور کار ادارات مختلف استرالیا قرار گرفته و ساختاری واحد متشکل از سه هزار گروه مراقبت از زمین شکل گرفت تا به اداره پروژه‌های حفاظت خاک و آب بپردازند (Chalma & Moris, 2004). ارزیابی‌های بعدی موید این واقعیت بود که پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد چهار مرحله تکاملی را طی می‌کنند ۱- ظهور یا پیدایش، ۲- آشفستگی، ۳- تثبیت و ۴- عمل. Falsoleiman و hajipour (۲۰۱۱) در تحقیقی به واکاوی میزان پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد در پروژه بین‌المللی ترسیب کربن دشت حسین‌آباد غیناب سریش

استان خراسان جنوبی. نشان دادند که گروه‌های توسعه روستایی ایجاد شده به عللی چون تقویت روحیه مشارکتی، بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی و بالا رفتن سطح آگاهی‌ها و توانمندی‌ها، ایجاد تنوع شغلی، کاهش وابستگی به مراتع و در نهایت آشنا شدن با ساز و کار اداری و بانکی انگیزه و پایداری لازم را برای ادامه فعالیت‌های خود به دست آوردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد علیرغم پیچیدگی‌های خاص خود، بسیار سطحی انگاشته شده و رعایت بسیاری از پارامترهای اساسی نادیده گرفته می‌شود. موضوعی که چالش اصلی عدم استمرار و پایداری بسیاری از نهادهای مشارکتی بوده و شناسایی و تبیین عوامل اصلی آن هدف اصلی تحقیق حاضر را شکل داده است. در طول چند دهه اخیر سمت و سوی تحولات مدیریت منابع طبیعی، در کشور ما نیز به سمت کاهش نقش دولت و بازنگری در وظایف و کارکردهای آن سیر کرده و تقویت سرمایه اجتماعی (به عنوان حلقه مفقوده مدیریت پایدار منابع طبیعی) و مشارکت اجتماعات محلی، مبنای اجرای پروژه‌ها بخصوص در بخش‌های حفاظت و احیاء قرار گرفته است. هر چند، الگوهای مشارکت در ایران، دارای پیشینه بسیار غنی در قالب گروه‌های همیاری، خودیاری و دگریاری بوده است اما شاید بتوان نقطه تحول رویکردهای مشارکتی در بخش منابع طبیعی را به اجرای پروژه‌های بین‌المللی مدیریت مشارکتی منابع طبیعی در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مرتبط دانست. اگرچه تا پیش از آن دولت با برنامه‌ریزی متمرکز از بالا به پایین و تدوین و ابلاغ نسخه‌های واحد به ادارات تابعه و واگذاری طرح‌ها به بخش خصوصی، مشارکت ذینفعان را بسیار کم‌رنگ دیده یا نقش آنان در حد مشارکت مشروط (همکاری به ازای گرفتن مشوق) تنزل یافته بود اما در رویکرد جدید، ظرفیت‌سازی، نهادسازی (اجتماعی و اقتصادی) و مشارکت واقعی و خودجوش اجتماعات محلی در تمام مراحل تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و بهره‌برداری طرح‌ها مبنای اجرا پروژه‌ها قرار گرفته بود (Ghasemi Aryan, 2016). پروژه بین‌المللی احیای اراضی جنگلی تخریب‌یافته با تاکید ویژه بر اراضی شور و تحت تأثیر فرسایش بادی (RFLDL) یکی از این پروژه‌ها بوده که با حمایت FAO در شهرستان

سرایان استان خراسان جنوبی اجرا گردید. سیاست‌های اجرایی این پروژه در دو سطح اجتماعات محلی و دولتی دنبال شد. در سطح اجتماعات محلی اقداماتی از جمله آگاهی‌رسانی، سازماندهی و ظرفیت‌سازی برای توان‌افزایی و جلب مشارکت مردم در تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی بر اساس نیازهای آنها و در سطح دولتی نیز فعالیت‌هایی برای ظرفیت‌سازی و ایجاد مکانیزم ارتباطی برای پیوند بین مردم و دولت و همچنین همکاری‌های بین‌بخشی و انسجام سازمانی به منظور تصمیم‌گیری با رویکرد یکپارچه‌نگری دنبال شد. بسیج اجتماعات محلی در نهایت به تشکیل نهادهای اجتماعی (گروه توسعه روستا) و اقتصادی (صندوق اعتباری خرد)، منجر شد که درس‌آموخته‌های مثبتی از مشارکت بهره‌برداران در اجرای اثربخش‌تر پروژه‌های مقابله با بیابان‌زایی به همراه داشت. این نهادها پس از انجام بسترسازی اولیه و اقدامات مرتبط با بسیج اجتماعات محلی شکل یافتند به نحوی که هر گروه شامل ۱۰ تا ۱۵ نفر عضو بوده که روسای گروه‌های هر روستا، هیئت مدیره صندوق‌های اعتباری خرد را تشکیل می‌دهند. اعضا علاوه بر شرکت در نشست‌های گروه و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، مبلغی را جهت پس‌انداز به حسابدار گروه داده و در ادامه پس از شرکت در کارگاه‌های مهارت‌افزایی و ارائه طرح توجیهی موفق به اخذ اعتبارات خرد در قالب تسهیلات معیشتی یا تولیدی می‌شوند. علیرغم مطالعات انجام گرفته و تأیید همه‌جانبه اثربخشی پروژه با استفاده از معیارها و شاخص‌های شبکه‌های اجتماعی - سیاستی (Ghorbani et al., 2015) و همچنین علیرغم رضایت بومیان و مجریان از رویکرد پروژه، اما فعالیت کم یا انحلال برخی از نهادها، واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و امروزه به یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های مهم کارشناسان اجرایی پروژه بدل شده است. تحقیق حاضر با هدف تبیین مولفه‌های اصلی عدم پایداری این نهادها به انجام رسید.

مواد و روش‌ها

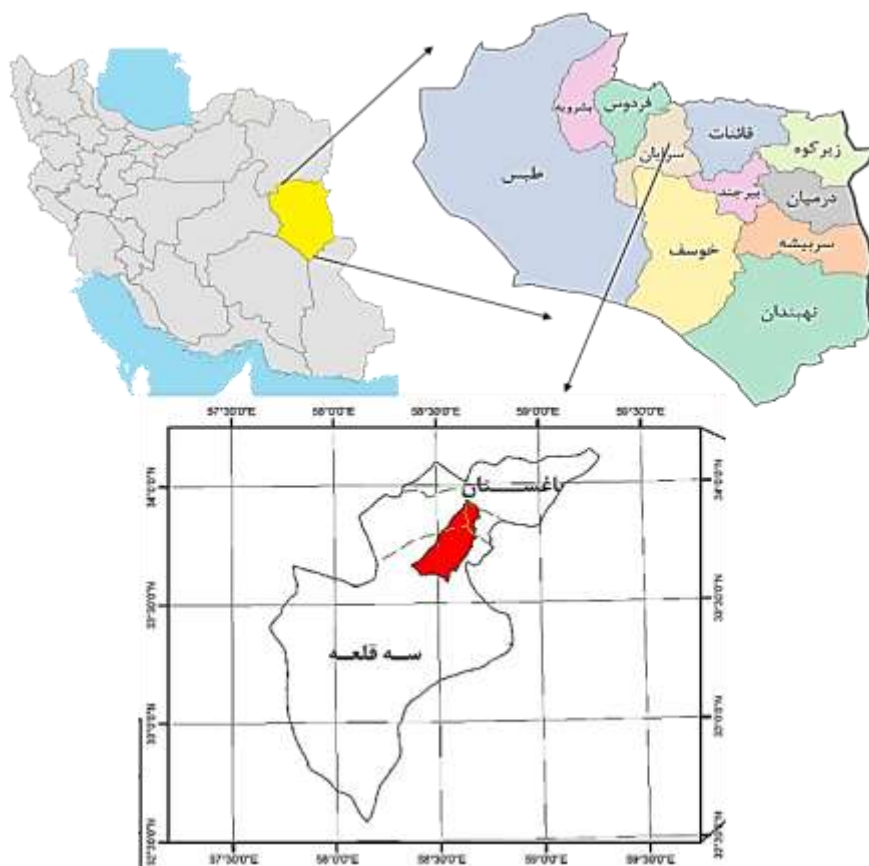
منطقه مورد مطالعه

شهرستان سرایان با وسعتی معادل ۷۵۸۹۶۹ هکتار یکی

بر اراضی حساس به خاکهای شور و اراضی مستعد فرسایش بادی (Rehabilitation of Forest Landscapes (RFLDL) and Degraded Land with Particular Attention to Saline Soils and Areas Prone to Wind Erosion Project) اقدامی مشترک بین سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور، تسهیلات جهانی زیست محیطی (GEF) و سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (FAO) است که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ در پایلوت سرایان خراسان جنوبی و ریگان کرمان اجرا گردید. شهر سه قلعه و سه روستا (دوست‌آباد، بسطاق و زنگویی) محل اجرای پروژه در شهرستان سرایان استان خراسان جنوبی هستند. شکل شماره ۱ موقعیت محدوده اجرایی پروژه را در شهرستان، استان و کشور نشان می‌دهد.

از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی می‌باشد. از نظر ارتفاعی قسمت اعظم این محدوده این به صورت دشت و فاقد ارتفاعات بلند بوده و متوسط ارتفاعی آن در حدود ۱۳۵۰ متر بالاتر از سطح دریاها آزاد است. این شهرستان به علت قرار گرفتن در عرض جغرافیایی پایین، ارتفاع کم از دریا، دوری از منابع آبی بزرگ، دوری از توده‌های باران‌آور فشار زیاد جنب حاره و نزدیکی به کویر (که همه این عوامل باعث بارندگی کم، گرمای زیاد تابستان، تبخیر فراوان) جزو مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی محسوب می‌گردد و در بیشتر سال‌ها بارندگی از ۱۰۰ میلی‌متر کمتر است. میانگین حداکثر و حداقل دمای محدوده به ترتیب ۳۵ و ۱/۱- درجه گزارش شده است.

پروژه احیای اراضی جنگلی و تخریب یافته با تأکید ویژه



شکل ۱- موقعیت محدوده اجرایی پروژه RFLDL در شهرستان، استان و کشور

Figure 1- Location of RFLDL project scope in the city, province and country

روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی، از نظر هدف، کاربردی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی (غیرآزمایشی) و پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات به دو روش اسنادی و پیمایشی است. در بخش اسنادی، اطلاعات مورد نیاز در خصوص وضعیت نهادهای مشارکتی استقرار یافته در روستاهای هدف، از دفتر امور بیابان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان جنوبی و مصاحبه با مدیران اجرایی و تسهیلمان پروژه در محدوده مطالعاتی استخراج گردید. در بخش میدانی (پیمایشی)، با حضور در منطقه مورد مطالعه، نسبت به تکمیل ابزار تحقیق که پرسش‌نامه است اقدام شد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه اعضای گروه‌های توسعه روستا و صندوق‌های اعتباری خرد (که از فعالیت مورد انتظار تسهیلمان برخوردار نبوده‌اند) در روستاهای هدف اجرای پروژه RFLDL شهرستان سرایان بوده که بر اساس فرمول کوکران و تطبیق با جدول کرجسی و مورگان، ۹۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پرسشنامه مشتمل بر ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد، میزان فعالیت در نهاد و میزان رضایت اعضا از جنبه‌های مختلف بوده و در نهایت مولفه‌های مربوط به تبیین عدم پایداری نهادهای

مشارکتی توسط گویه‌های متنوع آمده است. پس از تأیید روایی با نظر متخصصان، پایایی پرسشنامه برابر ۰/۸۳ به دست آمد که نشان از قابلیت اعتماد مناسب پرسشنامه محقق ساخته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت. به منظور بررسی رابطه بین متغیرها از نرم‌افزار Smart PLS₃ بهره گرفته شد. ابتدا بار عاملی هر یک از گویه‌ها به دست آمد. با توجه به مبنای قابل قبول ۰/۵ و بیشتر برای آن، مقدار بار عاملی در کلیه گویه‌ها مورد تأیید قرار گرفت. در رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) پیش از آزمون فرضیه‌ها، لازم است برازش مدل‌های اندازه‌گیری از طریق سنجش روایی همگرا و ضرایب پایایی انجام شود. روایی محتوایی و صوری پرسشنامه از طریق نظرات کارشناسان و خبرگان جوامع محلی و بر اساس معیار روایی همگرا (AVE (Average Variance Extracted)) که حداقل مقدار آن ۰/۵ است، مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین میزان پایایی ابزار سنجش دو معیار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR (Composite Reliability)) محاسبه شد که مقدار بیشتر از ۰/۷ برای آن‌ها قابل قبول می‌باشد (جدول ۱).

جدول ۱- مقادیر به دست آمده از روایی و پایایی مؤلفه‌های تحقیق

Table 1- Values obtained from the validity and reliability of research components

Sustainability factors of cooperative institutions	Question	Cronbach alpha	Composite reliability (CR)	Average variance extracted (AVE)
Management-Policy	14	0.834	0.882	0.759
Sociocultural	29	0.810	0.886	0.723
Educational-Promotional	6	0.771	0.789	0.522
Economic-Livelihood	15	0.818	0.837	0.681

نتایج

نتایج تجزیه و تحلیل آمار توصیفی پاسخگویان نشان داد که میانگین سنی آن‌ها ۴۱/۲ سال بوده، کمترین و بیشترین سطح سنی به ترتیب ۱۸ و ۶۶ سال به دست آمد. ۷۳/۵ درصد از افراد مورد مطالعه متأهل و مابقی مجرد بودند. متوسط تعداد اعضای خانوار در آن‌ها ۵ نفر بود. از نظر منبع

تأمین درآمد یا شغل، ۲۱/۷ درصد از پاسخگویان منحصراً دامدار و ۶۳/۳ درصد کشاورز-دامدار محسوب می‌شوند. بیکاری و تحصیلات، به ترتیب با نرخ ۵۶/۸ و ۱۹/۸ درصد مهمترین عامل مهاجرت در منطقه مورد مطالعه هستند. از نظر وضعیت سواد، ۶/۷ درصد پاسخگویان بی‌سواد بوده و ۶۸/۶ درصد دارای سواد ابتدایی هستند. نتایج بررسی‌ها

مطالعاتی را از نظر ترکیب اعضا (زن، مرد، مشترک)، مقدار پس‌انداز و اعتبار مالی صندوق‌ها و تعداد وام‌های پرداختی نشان می‌دهد. همچنین جدول شماره ۳ بررسی وضعیت فعالیت، میزان رضایت، وضعیت میزان دریافت سرمایه از صندوق برای طرح‌های درآمدزا و وضعیت کسب آموزش در راستای طرح‌های پیشنهادی را نشان می‌دهد. بر این اساس وضعیت فعالیت ۲۵ درصد پاسخگویان اصلاً و خیلی کم انتخاب گردیده است. این درحالی است که حدود ۷۳ درصد از پاسخگویان رضایت خود را از عضویت در گروه‌ها متوسط و بالاتر ابراز نموده‌اند. همچنین ۱۰۰ درصد پاسخگویان موفق به دریافت تسهیلات از صندوق اعتباری خرد روستا شده‌اند.

نشان داد در مجموع ۷۲ گروه با عضویت ۱۹۵۹ نفر در محدوده مورد مطالعه ایجاد شده که ۲۶/۶۳ درصد از کل جمعیت را در بر می‌گیرد. بیشترین تعداد گروه‌ها در روستای بسطاق با ۵۷۸ نفر عضو تشکیل شده است که ۷۳/۱۶ درصد از افراد ساکن این روستا را شامل می‌شود با این حال بیشترین درصد انحلال گروه‌ها نیز مربوط به همین روستا است. رتبه دوم در استقبال از فعالیت در گروه‌ها مربوط به روستای زنگوتی است. بطوریکه ۷۲/۲۵ درصد از افراد ساکن در این روستا عضو گروه‌ها هستند. در این روستا تنها ۱۴ گروه با عضویت ۴۰۱ نفر تشکیل شده لیکن با توجه به جمعیت ۵۵۵ نفری این روستا، تمایل به عضویت در گروه‌ها بالا بوده است. جدول شماره ۲ وضعیت نهادهای مشارکتی محدوده

جدول ۲- وضعیت نهادهای مشارکتی محدوده مطالعاتی

Table 2- Status of activity and level of satisfaction of members in cooperative institutions of the study area

Name of the committee	Number of groups	Number of members			Amounts saved and capital of the fund in the regional committees (million Rials)			Fund capital (million Rials)	Number of loans paid		
		woman	man	Total	woman	man	Total		woman	man	Total
		Dost Abad	17	198	248	446	206.5		213.3	419.8	624.6
Zangoii	14	195	206	401	782	8890.8	9672.8	10160.3	109	258	367
Bastaq	21	229	349	578	492.5	790.3	1282.9	1844.7	104	87	191
Seghale	20	296	238	534	663.4	627.6	1291.1	1716	135	73	2.8
total	72	918	1041	1959	2144.6	10522.1	12666.7	14342.8	402	495	897

جدول ۳- وضعیت فعالیت و میزان رضایت اعضا در نهادهای مشارکتی محدوده مطالعاتی

Table 3- The status of collaborative institutions in the study area

Group	Activity status in the group			The level of satisfaction with membership in the group			The status of receiving capital from the fund for income-generating projects			The status of acquiring education in line with the proposed plans		
	Cumul	Abunda	Freq	Cumul	Abund	Frequ	Abund	Cumul	Abund	Frequ	Abund	Cumul
	ative	nce	uenc	ative	nce	ency	ency	ative	nce	ency	nce	ative
not at all	12	12.5	12.5	9	9.4	9.4	0	0	0	8	11.9	11.9
up to a little	24	25	37.5	26	27.1	36.5	34	50.7	50.7	11	16.4	28.3
Average	34	34.4	72.9	19	19.8	56.3	21	31.3	82	15	22.4	50.7
To a large extent	7	7.3	80.2	32	33.3	89.6	8	11.9	93.9	18	26.9	77.6
totally	19	19.8	100	10	10.4	100	4	6	100	15	22.4	100
Total	96	100		96	100		67	100	-	67	100	

ویژگی‌های ساختاری و ترکیب گروه‌ها " با میانگین ۳/۷ است. از طرفی عواملی مانند فقدان تعهد و احساس مسئولیت لازم در برخی اعضای گروه و فقدان الگوی مشخص برای حفظ و بقای گروه‌ها به ترتیب با میانگین ۳/۶۱ و ۲/۴۷ در اولویت دوم و سوم قرار داشتند (جدول ۴).

اولویت بندی عوامل اجتماعی- فرهنگی پایداری نهادهای مشارکتی: به منظور مشخص کردن اولویت عوامل اجتماعی- فرهنگی پایداری تعداد ۲۹ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه (خیلی زیاد تا خیلی کم) طراحی و از پاسخگویان نظرسنجی شد. بر اساس پاسخ‌های به دست آمده مشخص شد اولویت نخست موانع اجتماعی " عدم توجه به

جدول ۴- اولویت بندی عوامل اجتماعی پایداری نهادهای مشارکتی

Table 4- Prioritization of social factors to the sustainability of participatory institutions

Row	object	Average	priority
1	Lack of attention to the structural features and composition of groups	3.7	1
2	Lack of commitment and moral responsibility in some members of the group	3.61	2
3	The lack of a clear pattern for the maintenance and survival of groups	3.47	3
4	Failure to meet the expectations of members from participation in groups	3.38	4
5	Not having good experience of participating in group work	3.31	5
6	Distrust in government institutions	3.3	6
7	Inability or groups head in hold placing meetings and encourage participation between members	3.27	7
8	High level of expectation of group members	3.25	8
9	The existence of clan relations and kinship among group members	3.2	9
10	Distrust of the members in the stability of the group and the fund	3.16	10
11	Disagreement between members due to differences in taste	3.13	11
12	Low risk tolerance of group members	3.1	12
13	The existence of personal troubles of group members and lack of time	2.95	13
14	Not being interested in teamwork and having an individualistic spirit	2.91	14
15	Facilitators' inability to create a suitable platform	2.85	15
16	Lack of a cooperative organizational structure in the group and the fund	2.82	16
17	Seasonal migrations of group members who consider it an obstacle to participation	2.78	17
18	Migration or seasonal migration of members	2.76	18
19	Occurrence of family or clan disputes	2.71	19
20	Mutual distrust among members	2.65	20
21	Lack of necessary and sufficient communication between the head of the fund and the heads of the groups	2.61	21
22	Failure to properly select the chairman, secretary or accountant of the group or fund	2.55	22
23	Distrust of the members to the head or secretary of the group	2.3	23
24	Lack of necessary solidarity between members, president and secretary of the group	2.21	24
25	Existence of family prejudices for women's participation in groups	2.15	25
26	The head of the group does not welcome the constructive comments and criticisms of the members	2.13	26
27	Non-interference of members in the selection of group president and group secretary	2.1	27
28	The intervention of facilitators (decision making for the members, not guiding and guiding them)	2.1	28
29	High rate of unemployment and migration of group member	1.85	29

میانگین ۴/۱ است. از طرفی عواملی مانند پایین بودن مبلغ وام‌های صندوق و ناتوانی صندوق در انعقاد قرارداد و جذب سرمایه از سایر منابع به ترتیب با میانگین ۳/۹۵ و ۳/۸ در اولویت دوم و سوم قرار داشتند. همچنین اولویت آخر به گویه بالا بودن بهره وام‌ها با میانگین ۱/۱ اختصاص داشت (جدول ۵).

- اولویت بندی عوامل اقتصادی- معیشتی پایداری نهادهای مشارکتی: به منظور مشخص کردن اولویت عوامل اقتصادی- معیشتی، تعداد ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه (خیلی زیاد تا خیلی کم) طراحی و از پاسخگویان نظرسنجی شد. بر اساس پاسخ‌های به دست آمده مشخص شد اولویت نخست عوامل اقتصادی " سرمایه مالی اندک صندوق " با

جدول ۵- اولویت بندی عوامل اقتصادی- معیشتی پایداری نهادهای مشارکتی

Table 5- Prioritization of Economic factors to Sustainability of participatory institutions

Row	object	Average	priority
1	Little Financial Capital	4.1	1
2	Low amount of fund loans	3.95	2
3	Fund inability to conclude contract and attract capital from other sources	3.8	3
4	Lack of other resources to strengthen funds except for popular savings	3.75	4
5	Group's inability to provide sufficient facilities to create new job opportunities for members	3.6	5
6	The long -term waiting time for the loan	3.2	6
7	Low Savings The amount of savings	3.1	7
8	Inability to market manufactured products	3.1	8
9	The flexibility of the lack of funds	2.95	9
10	High fees for fund loans	2.6	10
11	Hard Conditions to Receipt of Loans (in terms of having a sponsor, collateral)	2.1	11
12	Raising the amount of the monthly savings of the members	1.9	12
13	Delay in repayment of loans by group members	1.8	13
14	Failure to submit a lending report by the boss and assistant to the group members	1.5	14
15	The high interest on loans	1.1	15

ایجاد شغل و ناکافی بودن آموزش‌ها برای استفاده مؤثر از وام‌ها و اشتغال زایی به ترتیب با میانگین ۳/۸۵، ۳/۵ و ۳/۲۵ در اولویت اول و دوم و سوم قرار داشتند. همچنین اولویت آخر به گویه نداشتن آموزش‌های لازم برای تقویت روحیه کار جمعی با میانگین ۱/۷ اختصاص داشت (جدول ۶).

اولویت بندی عوامل آموزشی - ترویجی پایداری نهادهای مشارکتی: به منظور مشخص کردن اولویت عوامل آموزشی - ترویجی پایداری تعداد ۶ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه (خیلی زیاد تا خیلی کم) طراحی و از پاسخگویان نظرسنجی شد. بر اساس پاسخ‌های به دست آمده مشخص شد هم زمان نبودن آموزش شغل با اعطای وام برای

جدول ۶- اولویت بندی عوامل آموزشی- ترویجی پایداری نهادهای مشارکتی

Table 6- Prioritization of educational -promoting factors to Sustainability of participatory institutions

Row	object	Average	priority
1	The lack of job training with the lending to create jobs	3.85	1
2	Lack of adequate literacy	3.5	2
3	Inadequate training for effective use of loans and employment	3.25	3
4	Lack of training courses for members in the field of participation	3.15	4
5	Inability to facilitate guidance and encourage members to participate	2.1	5
6	Lack of training to enhance the spirit of collective work	1.7	6

اولویت نخست عوامل سیاست‌گذاری " تأمین نشدن تسهیلات دولتی برای حمایت از صندوق‌ها " با میانگین ۴/۳ است. و اولویت آخر به موازی کاری برخی دستگاه‌ها با میانگین ۲/۴ اختصاص داشت. (جدول ۷)

- اولویت بندی عوامل مدیریتی و سیاست‌گذاری پایداری نهادهای مشارکتی: به منظور مشخص کردن اولویت عوامل سیاست‌گذاری پایداری تعداد ۱۲ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه (خیلی زیاد تا خیلی کم) طراحی و از پاسخگویان نظرسنجی شد. بر اساس پاسخ‌های به دست آمده مشخص شد

جدول ۷- اولویت بندی عوامل مدیریتی و سیاستگزاری پایداری نهادهای مشارکتی

Table 7- Prioritization of Management Barriers and Policy Stability of participatory institutions

Row	object	Average	priority
1	Failure to provide government facilities to support funds	4.3	1
2	Failure to cooperate some devices for successful implementation of the project	4.1	2
3	Legal barriers to the conclusion of a contract with the local community	3.9	3
	Management weakness of project executive directors and facilitators	3.65	4
4	Lack of funds and equipment needed to monitor network activity by facilitators	3.45	5
5	Failure to allocate credits for approved projects for contracting with the local community	3.6	6
6	Lack of sufficient supervision on the use of loans provided	3.2	7
	The inability of the head of the group to manage and conduct meetings	3.15	8
7	Change of managers or their disapproval of participatory projects	3.1	9
8	Officials' promises at the start of the project and raised the level of expectations of local people.	2.9	10
9	The low number of facilitators to the volume of activity	2.8	11
10	Failure to comply with the objectives of the experts for the members of the groups for the formation of groups	2.5	12
11	Lack of sufficient supervision on the use of loans provided	2.4	13
12	Parallel work. Some devices	2.4	14

ضریب مسیر به دست آمده، کمترین تأثیر را در مسیر پایداری نهادهای مشارکتی در منطقه مورد مطالعه بر عهده دارند (جدول ۸). در این میان عوامل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - معیشتی در درجه دو و سوم تأثیرگذارترین عوامل قرار دارند. (شکل های ۲ و ۳).

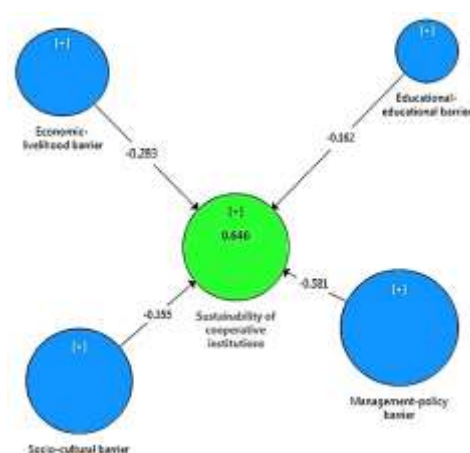
مدلیابی عوامل مؤثر بر پایداری نهادهای مشارکتی: نتایج به دست آمده از بررسی فرضیه ها و تحلیل مسیر مدل نشان می دهد که عوامل مدیریتی - سیاستگذاری با ضریب -0.581 ، قوی ترین تأثیر منفی و معنی داری را بر پایداری نهادهای مشارکتی در سطح ۹۹ درصد داشته است. از طرفی، عوامل آموزشی - ترویجی با کمترین مقدار

جدول ۸- بررسی فرضیه ها و تحلیل مسیر مدل عوامل مؤثر بر پایداری نهادهای مشارکتی

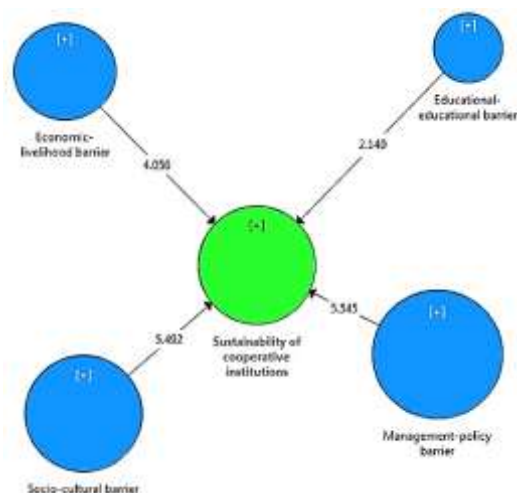
Table 8- Examining hypotheses and path analysis of the model of factors affecting the sustainability of participatory institutions

Relationships/ Path	Path coefficient	t-Values*	Sig.	direction of relationship	Result
Management-Policy	-0.581**	8.545	0.000	-	Accept
Sociocultural	**۵-0.35	5.492	0.000	-	Accept
Educational-Promotional	-0.162*	2.140	0.043	-	Accept
Economic-Livelihood	-0.283**	4.231	0.008	-	Accept

* $|t| > 1.96$ Significant at 0.05, $|t| > 2.58$ Significant at 0.01



شکل ۲- مدل‌یابی عوامل مؤثر بر پایداری نهادهای مشارکتی در پروژه احیای اراضی جنگلی تخریب یافته بر اساس ضریب مسیر
Figure 2- Modeling of factors affecting the sustainability of participatory institutions in the Revitalization project of degraded forest lands based on the path coefficient



شکل ۳- مدل‌یابی عوامل مؤثر بر پایداری نهادهای مشارکتی بر اساس مقدار تی

Figure 3- Modeling the factors affecting the sustainability of participatory institutions based on the value of T

بحث

در واقع نهادهای فراگیر، این رسالت مهم را بر عهده دارند. اما پیش از ورود به توسعه نهادهای فراگیر، مسئله اساسی‌تر، روش ایجاد و استقرار چنین نهادهایی است که بتوانند از پایداری لازم، به عنوان مهمترین فاکتور در جلب یا سلب اعتماد مردم برخوردار باشند. موضوعی که، در این تحقیق به آن پرداخته شد و ۴ مؤلفه اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - معیشتی، آموزشی - ترویجی و سیاستگذاری - مدیریتی تبیین و اولویت‌بندی گردید. بر این اساس در عوامل اجتماعی - فرهنگی گویه‌های "عدم توجه به ویژگی‌های ساختاری و ترکیب گروه‌ها"، "فقدان تعهد و احساس

تجارب جهانی موجود در زمینه شکست و پیشرفت ملت‌ها حاکی از این واقعیت مهم است که مشارکت جامعه مدنی در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در توسعه و پیشرفت جوامع ایفا نموده‌اند. موضوعی که Acemoglu and Robinson (۲۰۱۲) در کتاب خود تحت عنوان "چرا ملت‌ها شکست می‌خورند" به طور مفصل بدان پرداخته و اذعان نموده‌اند که اقلیم، جغرافیا و فرهنگ نمی‌توانند در راه رسیدن یک کشور به کامیابی اجتماعی و سیاسی، به تنهایی نقشی تعیین‌کننده داشته و

شرایط سخت محیطی بوده که نیاز به همکاری و مشارکت را ضروری می‌ساخته است. آنچه که موفقیت این گونه مشارکت‌ها را تضمین نموده، سازگاری با علایق و روحیات بومیان بوده که بدون وابستگی به اعتبارات دولتی، به حفظ منافع اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی روستاییان می‌انجامید. ولی در حال حاضر اغلب قالب‌های مشارکتی فاقد این ویژگی‌ها هستند که نتیجه آن، دلسردی روستاییان و کم‌رنگی مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه روستایی است. Mohebi و همکاران (۲۰۱۷) نیز ناتوانی نمایندگان منتخب عشایر را یکی از عوامل اصلی عدم تحقق واگذاری مدیریت کوچ و مرتع به تشکل‌های عشایری عنوان نمودند. نتایج تحقیق در خصوص عوامل اقتصادی - معیشتی مؤثر بر عدم پایداری نهادهای مشارکتی مورد مطالعه نشان داد "سرمایه مالی اندک صندوق"، "پایین بودن مبلغ وام صندوق" و "ناتوانی صندوق در انعقاد قرارداد و جذب سرمایه از سایر منابع" مهم‌ترین عوامل از سوی پاسخگویان معرفی شده‌اند. نتایج بررسی‌ها حکایت از این واقعیت دارد که مبالغ پس‌انداز ماهانه اندک اعضا، در کنار تورم بالا و سقوط ارزش پول ملی در سال‌های پس از اجرای پروژه، عملاً از کارایی پس‌انداز و وام‌های اخذ شده از صندوق تا حد زیادی کاسته است. در این میان عدم حمایت مالی کافی از سوی نهادهای ملی و بین‌المللی و در کنار آن تعداد کم قراردادهای منعقد شده با صندوق‌ها یا تعاونی‌ها برای اجرای کامل پروژه توسط اجتماعات محلی (مطابق با اصلی‌ترین راهبرد بیان شده در ابتدای شروع پروژه)، از اثربخشی صندوق‌ها کاسته است. هر چند راهبرد پروژه در پرداخت ۲۰ درصد از سود حاصل از مشارکت به حساب صندوق‌ها، انگیزه زیادی برای مشارکت اعضا فراهم نموده و منجر به اجرای چند پروژه موفق گردیده است، اما موانع حقوقی پیش‌روی ذیحسابان برای انعقاد قرارداد مستقیم با نهادهای مشارکتی از یک سو و عدم توانایی و رقابت نهادهای مشارکتی روستایی برای شرکت در سامانه ستاد (سامانه تدارکات الکترونیک دولت) جهت اخذ پروژه، از سوی دیگر، عملاً شرایط را برای مشارکت اجتماعات محلی محدود ساخته است. چالش مهمی که اگرچه با ابلاغ بند "ب" ماده ۲۹ قانون احکام دائمی کشور (که به شکل قانونی، امکان انعقاد قرارداد مشارکت با

مسئولیت لازم در برخی اعضای گروه" و "فقدان الگوی مشخص برای حفظ و بقای گروه‌ها" به عنوان مهمترین شاخص‌ها مشخص گردید. بررسی‌های میدانی نشان داد که اگرچه تجارب جهانی موجود بخصوص در کشور استرالیا (Chamala., 2001) Mortiss & موید اهمیت ویژگی‌های ساختاری و ترکیب گروه‌ها قبل از تأسیس است اما توجه به این مهم از سوی مشاوران و تسهیلگران در ابتدای تأسیس نهادها مغفول مانده است. در این راستا اگرچه در ترکیب گروه‌ها، ویژگی‌های خویشاوندی، جنسیتی و یا حتی شغلی اعضا به شکل کلی مد نظر بوده است اما ویژگی‌های سنی، تحصیلی و شاخص‌های سطح خرد شبکه‌ها (اعتماد، مشارکت، انسجام، مرکزیت و قدرت) بعنوان مسائل مهم و تاثیرگذار در استمرار پایداری نهادها، مورد توجه واقع نشده‌اند. لذا هر چند مطالعات Ghorbani (۲۰۱۵) تحت عنوان تحلیل و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی - سیاستی تشکل‌های مردمی، نهادها و صندوق‌های توسعه پایدار جوامع محلی، موید ارتقای تمام شاخص‌های مورد بررسی است، اما نتایج حال حاضر و فعالیت کم و حتی انحلال برخی نهادها، این نکته و درس آموخته مهم را نوید می‌دهد که اینگونه مطالعات می‌بایست قبل از شروع پروژه، به منظور ترسیم نهادهایی پایدار با ساختار و ترکیب مناسب انجام پذیرد. موضوعی که در گویه سوم این مؤلفه تحت عنوان "فقدان الگوی مشخص برای حفظ و بقای گروه‌ها" به خوبی مشخص است. چنانکه حضور حداقل یک فرد معتمد یا با قدرت نفوذ بالا در هر گروه می‌تواند نقش مهمی در ادامه فعالیت اعضا و بقای آن گروه ایفا نماید. موضوعی که Ghasemi Aryan (۲۰۲۳) نیز در مطالعات خود به عنوان مهمترین عامل پایداری نهادهای مشارکتی در روستای زنگویی به آن اشاره نموده است. در این میان گویه "ناتوانی رئیس نهادها در برگزاری جلسات و تقویت مشارکت اعضا" نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. پاسخگویان معتقدند این عامل سبب دلسردی و قطع همکاری اعضا شده است. در همین زمینه Bafkar (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای که به بررسی تطبیقی مشارکت‌های سنتی با مشارکت‌های نوین در جامعه روستایی ایران پرداخته، بیان می‌کند شکل‌گیری خودجوش مشارکت‌های سنتی در جوامع روستایی کشور، برگرفته از نیازهای اساسی، محدودیت منابع و

می‌شود شکل‌گیری نهادهای مشارکتی، بر اساس مطالعات تحلیل شبکه‌ای به منظور دستیابی به ترکیب مناسب اعضا صورت پذیرد. در راستای تأیید این ادعا نتایج بررسی شواهد و مستندات گذشته نیز بخوبی این واقعیت را اثبات می‌کند که نهادهای محلی چگونه توانسته‌اند با بهره‌گیری از دانش بومی ارزشمند نیاکان، نقشی اساسی و پایدار را در مدیریت منابع آب و خاک به اثبات رسانند. با این حال پس از اعمال قانون اصلاحات اراضی و ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و به تبع آن تغییر نقش و مالکیت بهره‌برداران که با رویکرد مدیریتی دولت‌محور از بالا به پایین، نقش اجتماعات محلی در مدیریت منابع طبیعی به حاشیه رانده شد، نهادهای محلی نیز یا به تدریج کمرنگ و حذف شده و یا به اشکال دیگری در قالب تعاونی‌ها (که غالباً با پیگیری‌های یکسویه عوامل دولتی تأسیس می‌شدند) بدل شدند. موضوعی که نتوانسته است انتظارات پیش‌بینی شده را محقق سازد. اگرچه پس از چند دهه نادیده گرفتن نقش اساسی ذینفعان محلی در مدیریت منابع طبیعی، امروزه بر این مهم تأکید شده و پروژه‌های ملی و بین‌المللی متعددی در این زمینه در کشور به مرحله اجرا رسیده است اما همچنان مدیریت منابع طبیعی کشور نیازمند طراحی یک نهاد مشارکتی پایدار است که بتواند به رسالت حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی ختم شود. به نظر می‌رسد وقت آن رسیده که دست از بخشی‌نگری شسته و با تقویت انسجام سازمانی، مدیریت منابع طبیعی را در چارچوب مدیریت پایدار سرزمین دنبال کنیم. اینکه یک فرد روستایی یا عشایری، هدف چندین نهاد با اهداف مختلف است، نوعی سردرگمی و اتلاف وقت، هزینه و موازی‌کاری پدید آورده که به شکل معنی‌داری از اثربخشی اقدامات متنوع کاسته است. یک فرد روستایی در عین حال که مرتعدار است و هدف اداره منابع طبیعی است، کشاورز نیز بوده و هدف جهاد کشاورزی نیز هست. در عین حال می‌تواند تولیدکننده صنایع دستی بوده و هدف نهادهایی چون فنی حرفه‌ای، اداره تعاون روستایی، میراث فرهنگی و ... بوده و همزمان تحت حمایت نهادهایی چون کمیته امداد، بهزیستی و ... باشد. سؤال اصلی این است که آیا هر نهاد می‌تواند در راستای تحقق اهداف خود یک سازمان مردم‌نهاد جهت مشارکت جامعه هدف خود ایجاد نماید یا لازم است در

تشکل‌های محلی را فراهم نموده است) حدود زیادی، امیدها را برای مرتفع نمودن آن تقویت نمود اما هنوز با اما و اگرهای خاص خود همراه است. در این راستا مطالعات Ghasemi aryan (۲۰۱۴) نشان داد انعقاد قرارداد با نهادهای مشارکتی شکل یافته در محدوده پروژه بین‌المللی ترسیب کربن توانسته است هزینه‌های اجرای پروژه‌های شاخص مقابله با بیابان زایی شامل عملیات نهالکاری، احداث هلالی آبگیر و بذرکاری - بذرپاشی را به ترتیب ۳۵، ۵۰ و ۷۰ درصد کاهش داده و در ارتقای شاخص‌های اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی منطقه، نسبت به پروژه‌های مشابه که توسط پیمانکاران بخش خصوصی و با هزینه بیشتر انجام گرفته موفق‌تر عمل نماید. نتایج تحقیق در خصوص عوامل آموزشی - ترویجی مؤثر بر عدم پایداری نهادهای مشارکتی مورد مطالعه نشان داد "هم زمان نبودن آموزش شغل با اعطای وام برای ایجاد شغل" و "ناکافی بودن آموزش‌ها برای استفاده مؤثر از وام‌ها و اشتغال زایی" مهم‌ترین عامل از سوی پاسخگویان معرفی شده است. همچنین در عوامل سیاست‌گذاری - مدیریتی گویند "تأمین نشدن تسهیلات دولتی برای حمایت از صندوق‌ها" دارای بیشترین اولویت بوده است. به طور کلی در بررسی عدم موفقیت پروژه‌های دولتی، این واقعیت همواره از سوی مجریان و اجتماعات هدف اجرای پروژه‌ها پررنگ است که عدم حمایت کامل تسهیلات دولتی به شکل عام و کمبود بودجه به شکل خاص عامل اصلی عدم موفقیت پروژه‌هاست. این در حالی است که بررسی‌های میدانی محقق حکایت از این واقعیت مهم دارد که به فرض تخصیص کامل اعتبارات و حتی بیشتر از اعتبار مصوب، تا زمانیکه اجرای پروژه‌ها بر مبنای اصول علمی و بر گرفته از پژوهش‌های کاربردی و رعایت تمام جوانب پایداری صورت نگیرد، انتظار پایداری پروژه‌ها خیالی بیش نیست. تخصیص اعتبار بیشتر، شاید بتواند موقتاً دستاوردهای حاصل را تداوم بخشد اما در درازمدت چاره کار نیست. لذا در کنار تخصیص اعتبار کافی، تدوین دستورالعمل‌های علمی جامع لازم و ضروری است. به طور کلی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد عوامل سیاست‌گذاری - مدیریتی و عوامل اجتماعی بخصوص ساختار و ترکیب نهادهای اجتماعی و اقتصادی به عنوان مهمترین مانع پایداری آنان مطرح است. لذا پیشنهاد

یابند، دستیابی به مشارکت واقعی روستائیان امکانپذیر نباشد. پیشنهاد تحقیق حاضر انجام پژوهش‌های عمیق و کاربردی برای یافتن پاسخ به این گزاره مهم و مبهم است.

غالب یک مدیریت جامع و یکپارچه، یک سازمان مردم نهاد با مشارکت تمام نهادهای درگیر توسعه روستایی طراحی و پیاده‌سازی گردد؟! شاید بتوان گفت تا زمانی که دست‌اندرکاران نهادی نتوانند به سطح قابل قبولی از مشارکت و انسجام دست

References

- Chamala., Sh. Mortiss., p. 2001. Working together for land care: group management skills and strategies. Taraslate by kahtoonabadi., S., A. and Naderi., Gh. Tehran university press.
- Ghasemi Aryan, Y., 2016. Evaluation and comparison of ecological based and socio-ecological based approaches in natural resources management both economically and ecologically (case study: combating desertification project and international carbon sequestration project in Sarbisheh plain, Khorasan povince). Ph.D thesis in combating desertification. University of Tehran. Iran. (In Persian).
- Ghasemi Aryan, Y., 2021. Analysis of social and economic networks of participatory natural resources management projects in south Khorasan province. Final Report of Project. Research institute of forests and rangelands. 112 p. (In Persian).
- Ghasemi Aryan., Y. 2014. Project performance report of participatory management of natural resources and sustainable rural development. Iranian natural resources and watershed management organization. Desert affair bureau, annual report. (In Persian).
- Ghorbani, M., 2014. Analysis and evaluation of socio-political networks of South Khorasan RFLDL project. The final report of the study plan. Office of Desert Affairs, Natural Resources and Watershed Organization of the country. (In Persian).
- Ghorbani, M., Awadpour, L. and Khorasani, M. A., 2014. Analysis and evaluation of social capital of development micro-networks in the direction of local sustainable development (case study: RFLDL international project). Journal of Rural Research, Volume 6, Number 3. (In Persian). <https://doi.org/10.22059/jrur.2015.56060>.
- Monitoring and evaluation repot of carbon sequestration project, 2012. Iranian natural resources and watershed management organization. Desert affair bureau.
- Reazvani., M., R. 2005. An introduction to rural development planning in Iran, Qoms Publishing House, Tehran. (In Persian).
- Salla., E. Lalisa., D. Niina., K and Peter., A. M. 2021. Coalitions for landscape resilience: institutional dynamics behind community-based rangeland management system in north-western Tanzania. Journal of sustainability. Volume 13, Issue 19. <https://doi.org/10.3390/su131910939>.
- Shaditalab., J. 1998. Social forestry, research project of the Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (In Persian).
- Keyani, M., & Zarei, B. (2022). Comparative Analysis of NGOs and Local Governments in Achieving Good Governance of Natural Resources. Journal of Range and Watershed Management, 75(2), 245-262. (In Persian). <https://doi.org/10.22059/jrwm.2022.318505.1569>
- Acemoglu, Daron, and James Robinson. 2020. "The Narrow Corridor: States, Societies, and the Fate of Liberty, Chapters 1 & 2." New
- Report of the carbon sequestration project. (2014). Desrt affair bureau, Natural resources and watershed management organization, Pp 75. (In Persian).
- Watkins, C., Susan, S., Ann, H. and Thomas, R. (2012). Outsourcing social transformation: development NGOs as organizations. Annual review of sociology. 38(1), 285-315.
- Fal Suleiman., M, Hajipour., M. 2011. Analyzing the level of sustainability of non-governmental organizations in rural areas: experiences of the international carbon sequestration project in South Khorasan province. Applied Research Journal of Geographical Sciences, 11 (23):107-127. (In Persian).
- Mohabi, A., Fayaz, M., Khademi, M., Seyed Akhali, S. J., 2016. Investigating the status of migration and rangelan and the feasibility of handing it over to nomadic organizations (case study of Ardabil, Tehran, Khuzestan, Chaharmahal and Bakhtiari provinces). Final report of the project, Iranian Research Institute of Forests and Rangelands. 450 pages. (In Persian)